

بسم الله الرحمن الرحيم

درس خارج کلام آیت الله نجم الدین طوسی دام ظلّه - سه شنبه ۲۳ آذر ماه ۱۴۰۰

إنا لله و إنا إليه راجعون. لاحول و لا قوة إلا بالله العلی العظيم.

مطلع شدیم که متأسفانه یکی از مولوی ها به ساحت مقدس ائمه ی طاهر جسارت کرده است و در واقع به نبی مکرم و رسول خدا اهانت کرده است و تعبیری به این مضمون را به کار برده است که اگر فتوحات را قبول نداشته باشیم و شرعی ندانیم، نمی توانیم حلال زاده بودن نسل ائمه از امام زین العابدین را، نعوذ بالله، اثبات کنیم. این ادعا از چنین شخصی تعجب آور نیست چون نه جایگاه علمی دارد و نه درسی خوانده است و نه تعهد و غیرت دینی دارد. تعجب از کسانی است که این هتاک و جسارت به ساحت قدس رسول خدا را می شنوند و از کنار آن می گذرند اعم از کسانی که پای صحبت های او بودند و علمای بلاد از اهل سنت که ما یقین داریم اهل بیت عصمت نزد اهل سنت به جز نواصب، از جایگاه والایی برخوردار هستند. هر کدام از علمای اهل سنت که از امامان نام می برند، با تجلیل از آنان یاد می کنند. ابن طولون و ابن خلکان را ببینید. حتی خود ذهبی که متهم به نصب است در جلد سیزدهم از کتاب «سیر أعلام النبلاء» ذیل کلمه ی «المنتظر» بحثی را راجع به دوازده امام مطرح می کند و از تک تک آنها نام می برد و با عظمت و تجلیل از آنها یاد می کند و باید اینگونه باشد.

ما در گذشته نشستی با برادران اهل سنت و مولوی ها در سیستان و بلوچستان راجع به اهل بیت و ثقلین داشتیم و من آن را فراموش نمی کنم که در آن نشست همه ی آنها قطع نامه را امضا کردند که حب اهل بیت لازمه ی دین ما است و کسی که محبت نداشته باشد و بغض داشته باشد، از دین خارج است.

ببینید همین آقای ابن روزبهان که ما اشکالاتی به او داریم و حرف های غیر موزون بیان می کند و علامه مظفر حرف های او را رد می کند و هزار نفر مثل این مولوی که هتاک کرده است، قلمه الظفر ابن روزبهان نمی شوند، وقتی مرحوم علامه حلی می فرماید «لم ينقلوا عن أئمة الشيعة منقصة و لارذيلة و لا معصية»^۱ یعنی علمای اهل سنت هیچ کدام از امامان ما منقصت و نقطه ضعف و معصیت نقل نمی کنند، (ابن روزبهان) تعلیقه می زند و می گوید «مگر توقعی غیر از این داشتید؟ آیا توقع داشتید ما نسبت به ائمه و خاندان رسول الله غیر از این دیدگاه را داشته باشیم؟ بله همینطور

^۱ نهج الحق و كشف الصدق، صفحه ۲۶۲

است. نه منقصه و نه ردیله و نه معصیت از ایشان نقل نمی کنیم»^۲. هزار نفر مثل این هتاک، بند انگشت ابن روزبهان نمی شوند.

این آقا می خواهد خلافت خلیفه ی دوم را تثبیت کند، از این طریق که اگر فتوحات شرعی باشند پس خلیفه هم شرعی است و اگر شرعی نباشند، ازدواج شهربانو با امام صحیح نبوده است، پس نسل ائمه که از امام زین العابدین هستند، زیر سوال می روند.

من نمی دانم این مطالب چه ربطی به یکدیگر دارد. نادانی حدی دارد. اولاً معلوم نیست قضیه ی ازدواج حضرت شهربانو در زمان خلیفه ی دوم باشد. سه قول در این زمینه وجود دارد. یک قول می گوید در زمان خلیفه ی دوم بوده است. قول دوم می گوید در زمان خلیفه ی سوم بوده است. قول سوم می گوید در زمان خلافت امیرالمومنین بوده است. بفرمائید رجوع کنید به:

۱. «سُرَّ السَّلْسَلَةُ الْعُلُویَّةُ»، صفحه سی و یک.

۲. «لِبَابِ الْأَنْصَابِ»، جلد یک، صفحه سیصد و چهل و هشت.

۳. «الْعَدَدُ الْقَوِیَّةُ»، صفحه پنجاه و شش. این کتاب از مصنفات شیعه است.

«کانَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَوَلَّی حَرِیْثَ بَنَ جَابِرِ الْحَنْفِیِّ جَانِبًا مِنَ الْمَشْرِقِ» امیر المومنین ولایت قسمت شرقی بلاد اسلامی را به حریث بن جابر داده بود. «فَبَعَثَ إِلَیْهِ بِنْتِی یَزْدَجْرَدَ» دختر را فرستاد، «فَنَحَلَ إِبْنَهُ الْحَسِینَ عَلَیْهِ السَّلَامُ شَاهِزْنَانَ مِنْهُمَا» امیر المومنین دخترها را از والی خراسان تحویل گرفت و یک دختر به نام شاهزنان را به امام حسین دادند، «فَأَوْلَدَهَا زَیْنَ الْعَابِدِینَ». اصلاً ربطی به فتوحات ندارد. بلکه فتوحات مورد قبول مولا نبود و مخفی هم نمی کند به این دلیل که امیر المومنین در صحت و سلامت و عاقبت بود و در هیچ کدام از عملیات ها و جبهه ها شرکت نکرد. بلکه وقتی یک نقشه ی خطرناک و فاشل و شکست خورده می چیدند تا بر اساس آن بجنگند و با اجرای آن نقشه شکست اسلام و مسلمین حتمی بود، آقا نظر می دادند مثل قضیه ی فتح ایران که یک نقشه ی غلط بود و با درخواست از حضرت، ایشان نظر دادند اما ایشان در هیچ جنگی شرکت نکردند و شایسته همین است. سران جنگ ها و عملیات ها چه کسانی بودند؟ چه کارهایی می کردند؟ آیا برنامه ها و اعمال آنها با اسلام موافق بود؟ ما چگونه

^۲ ابن روزبهان، «ابطال نهج الباطل و اهمال کشف العاطل»

بستن دست هفتاد هزار نفر و بریدن سر آنها را توجیه کنیم؟ آنقدر سر بریدند که از رودخانه به جای آب، خون جاری شود. آیا این اعمال قابل توجیه است؟ آیا پیامبر اکرم اینقدر کشت؟ در تمام عملیات و جنگ های پیامبر اکرم، تعداد تلفات از طرفین به هزار و پانصد نفر نرسید. اما خالد بن ولید در یک جنگ، هفتاد هزار نفر را دست بسته سر برید. آیا امام در این جنگ ها شرکت کند؟ یکی دیگر از فرماندهان دستور می دهد که آرد ارتش ما باید با آسیابی تهیه شود که آن آسیاب با خون این ها بچرخد. همه این مطالب را طبری و ابن کثیر نقل می کند.

در طبرستان یا مازندران، گفتند ما با شما صلح می کنیم به این شرط که یک نفر از ما را نکشید. گفتند قبول می کنیم. دروازه را باز کردند و شروع کردند به کشتن. گفتند مگر شما نگفتید نمی کشید؟ گفتند ما گفتیم یک نفر را نمی کشیم که آن شخص تو هستی.

ولید که فرمانده ی لشکر است و برای فتوحات اروپا رفته است، شراب می خورد و می گوید «لَأَشْرِبَنَّ رَغْمَ أَنْفٍ مِنْ حَرَمٍ» یعنی دماغ کسی که می گوید شراب حرام است را به خاک می مالم. یعنی فرمانده ارتش به پیامبر اسلام توهین می کند. آیا این فتوحات شرعی است؟ آیا جایی برای حضور یافتن در این جنگ ها و فتوحات وجود دارد؟ خیر.

بر فرض که این قضیه مربوط به زمان خلیفه ی دوم باشد، امیر المومنین ولی امر است و اصلا ولایت آنها را قبول ندارد چون پیامبر ایشان را به عنوان جانشین قرار داده است و دیگران مشروع نیستند پس اگر فتوحاتی صورت گرفته باشد حتی در زمان خلیفه ی دوم و شاهزنان را به عقد امام حسین علیه السلام در آورده باشد، اشکالی ندارد چون ولی امر خود امیر المومنین است و نیازی به اذن دیگری نیست.

هتاکی ایشان (گرگیج) شاید کم سابقه باشد و من ندیده بودم کسی به این شکل هتاکی کند. نکته ای را عرض می کنم و آن اینکه اهل بیت عصمت علیهم صلوات الله، ذریه ی کسانی هستند که آیه ی تطهیر در شأن آنها نازل شده است. اگر اهل بیت که در «بیت اذن الله آن ترفع و یذکر فیها اسمہ» متولد شده اند و به این خانه ها تعلق دارند، استغفر الله، حلال زادگیشان نیاز به اثبات دارد یا زیر سوال می رود، آنها که در بیوت شرک و کفر و فحشاء به وجود آمده اند، به طریق اولی حلال زادگیشان نیاز به اثبات دارد و زیر سوال می رود.

اگر کسی به شما بگوید امام شما و خال شما و خال المومنین، از چهار پدر به دنیا آمده است، چه جوابی می دهید؟ شما این بحث را شروع کردید. شما جسارت کردید. زدی ضربتی، ضربتی نوش کن. حرف وقیحی زدی، جوابت را

بگیر. آنها کسانی هستند که در خانه هایی به دنیا آمدند که صاحب پرچم بودند و مجوز رسمی برای فحشاء داشتند. چه تضمینی برای حلال زادگی آنها دارید؟ مثالب العرب می گوید «معاویه چهار پدر داشت». همین مطلب در ربیع الابرار، جلد سه، صفحه پانصد و چهل و نه آمده است. همچنین در آغانی، جلد نه، صفحه چهل و نه و عقد الفرید، جلد شش، صفحه هشتاد و شش آمده است.

اگر کسی به شما بگوید امام ششم شما یعنی یزید، حرام زاده و مأبون یعنی ملوط بود، چه پاسخی می دهید؟ عبد الملک بن مروان در سخنرانی می گوید: «لست بالخليفة المأبون یعنی یزید»، البدایة و النهایة، جلد نه، صفحه شصت و هشت.

اگر کسی به شما بگوید غالب امامان شما ناپاک و مأبون هستند و مشکل اخلاقی و جنسی دارند، چه جوابی می دهید؟ ابن کثیر می گوید «فاحشة اللواط التي قد ابتلی بها غالب الملوك و الأمراء و التجار و العوام و الكتاب و الفقهاء و القضاة و نحوهم» یعنی حاکمان و خلفاء و همه مبتلا به این گناه بودند. شما چه جوابی می دهید؟ نکند مشکل حرام زادگی در نزد شما حل شده است و مشکلی شمرده نمی شود؟ نکند این یک امر عادی است؟ ببینید پیشوایان و بزرگان شما اینگونه بوده اند.

ابن حزم در المحلّی، جلد چهار، صفحه نود و سه از زهری نقل می کند که «کان أئمة من ذلك العمل» یعنی امامان ما از این طریق به دنیا آمدند. بعد تفسیر می کند و می گوید «یعنی من الزنا».

سفیان ثوری از حماد نقل می کند که می گوید: «سألت إبراهیم النخعی عن ولد الزنا هل یؤمّون؟» آیا می توان پشت سر ولد الزنا نماز خواند؟ جواب داد: «نعم إذا أقاموا الصلاة» بله اگر اهل نماز باشند، ایرادی ندارد.

أنور عکاشه می گوید «کیف صار أبناء الزنا أمراء المسلمین؟»^۳ ایشان از متفکران و دانشمندان و نویسندگان مصر است و می گوید من از شما سوال دارم: چه شد که هرچه حرام زاده وجود دارد، خلیفه و امام و فقیه و کذا شده است؟ چه جوابی به او می دهید؟ او می گوید حمامة مادر ابوسفیان «کانت بغیا صاحبة رایة» پس ابوسفیان این مشکل را دارد. «الزرقاء بنت وهب من البغایا ذوات الأعلام هی زوجة أبی العاص أم الحکم». «آمنة بنت علقمة جدة عبد الملک بن مروان» این زن هم دارای پرچم بود. «النابعة سلمی بنت حرملة» این زن مادر عمرو عاص بوده است که امام مجتبی

^۳ مقاله «أبناء الزنا كيف صاروا أمراء المسلمین؟»، أنور عکاشه.

به او می گوید تو پسر عاص نیستی بلکه پسر پنج مرد هستی. «سمیه» مادر چند نفر از جمله زیاد بن ابیه بوده است. «مرجانه بنت نوف» مادر ابن مرجانه است. «قطام» از خوارج بود. «نزلة بنت أسماء الكلبيّة» مادر بعضی از شخصیت های معروف آنها است. «هند بنت عتبة زوجة أبي سفيان» جزء بغایا بود و مادر معاویه است و طبیعی است که معاویه چند پدر داشته باشد. «میسون أم يزيد بن معاوية» از فاحشه های معروف بوده است. «آمنه بنت علقمة كانت تمارس الزنا مع أبي سفيان فولدت مروان».

شما به این موارد چگونه جواب می دهید؟ شما می خواهید کسانی را زیر سوال ببرید که «فی بیوت أذن الله» یعنی خدا آنها را تطهیر کرده است. شما می خواهید کسانی را زیر سوال ببرید که «إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت».

من در پایان عرائض مطلبی را که ابن کثیر و ابی یعلی نقل کرده اند بیان می کنم. در مسند ابی یعلی، جلد سه، صفحه دوپست و نود و هفت، چاپ دار الکتب العلمیة آمده است: «عن أنس خرج رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وهو غضبان فخطب الناس و قال: لا تسئلوني عن شيء اليوم إلا أخبرتكم به. ونحن نرى أن جبرئيل معه» پیامبر برای مردم صحبت کردند و فرمودند هر سوالی دارید از من پرسید. راوی می گوید ما احساس می کردیم که الان جبرئیل کنار حضرت ایستاده است. شخصی بلند شد و از نسبش سوال کرد و گفت یا رسول الله در جاهلیت همه کار می کردند. حال آیا من پسر پدرم هستم؟ پیامبر فرمود پدرت خزافه است و به اشتباه تو را اینگونه می نامند، «لأبيه الذي كان يدعى». «فسألوا عن أشياء فقام عمر» بعد از این که صحبت از نسب شد، عمر از جایش بلند شد و گفت «یا رسول الله إنا كنا حدیثی عهد بجاهلیة» یعنی آن دوران جاهلیت بود و خط قرمزی وجود نداشت و همه کار می کردند. «لاتبدی علینا سوئاتنا» آبروی ما را نریز. از این به بعد اگر کسی اینطور سوالی از شما کرد، جواب نده و پرونده ها را باز نکن. «قال أتفضحنا بسرائرنا» آیا می خواهی آبروی ما را ببری؟ «فاعف عنا» پرونده ی ما را ببند.

شما که اهل بیت عصمت و طهارت را زیر سوال می برید، اول مشکل خودتان را حل کنید. من وارد این مباحث نشدم و نمی خواستم ورود کنم اما خودت سبب شدی و اگر کسانی عرائض من را شنیدند و ناراحت شدند، اول به آن شخص اعتراض کنند که چرا کاری کردی که پرونده ای باز شود که نسل جدید ما خبر نداشته است و از این به بعد این نسل پرسش گر شروع به تحقیق می کند که چطور هر انسانی که در خانه ی فحشاء به دنیا آمده است را به خورد ما می

دهید؟ مگر انسان قحط است؟ مراد آیه از کسانی که در «بیوت اذن الله» هستند، چه کسانی است؟ مراد از آیه ی تطهیر چه کسانی هستند؟ چرا این مطالب را از ما مخفی کردید؟

ابن کثیر در کتاب جامع المسانید و السنن، جلد بیست و دو همین روایت را نقل می کند که «قام إليه عمر بن الخطاب قال: يا رسول الله إنا كنا حدیثی عهد بجاهلیة فلاتبدی علینا سوئاتنا» زشتی های ما را بر ما آشکار نکنید. شما باید مشکل کسی که فتوحات کرده است و باید مشروع باشد را حل کنید بعد تعرض به دیگران کنید.

امیدوارم خداوند عزوجل اسلام و مسلمین را از شرّ و قیحان و نواصب و دشمنان اهل بیت محفوظ کند و آنها را به نتیجه و عواقب و جزای کارشان برساند. و الحمد لله رب العالمین.